

تأثیر توطئه اقتصادی جریان نفاق در از بین بردن استقلال و آزادی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن (مطالعه موردی تدبیر در سوره مبارک منافقون)

حسن اورعی^۱

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

نهضت اسلامی ایران سمت و سوی حرکت خود را ایجاد تمدن نوین اسلامی قرار داده است تا گام به گام زمینه را برای برپایی حکومت عدل جهانی فراهم کند. حرکت برای اجرای عدالت همواره با مخالفت و دشمنی کسانی مواجه شده است که منافع مادی خود را در خطر می‌دیدند. مخالفان نهضت اسلامی در یک تقسیم‌بندی کلی به دشمنان داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند که لازم است با توطئه‌های آنان مقابله شود.

قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید پیامبر خاتم، عهده‌دار هدایت جامعه اسلامی تا رسیدن به آرمان همه انبیا و برپایی عدالت جهانی است. یکی از راهنمایی‌های مهم قرآن در این مسیر، شناساندن توطئه دشمنان و ارائه راه‌حل برای دفع این توطئه‌هاست. تدبیر در سوره مبارک منافقون نشان می‌دهد که جریان نفاق به عنوان دشمن داخلی نظام اسلامی، توطئه‌های خود را در دو سطح اقتصادی و سیاسی پایه‌ریزی می‌کند. منافقان با افزایش فشار اقتصادی درصدد پراکنده کردن مردم از پیرامون ولی جامعه هستند تا از این طریق بتوانند ولی جامعه را از رأس نظام اسلامی برکنار کنند. این نوشتار راهکارهای سوره مبارک منافقون در شناسایی، پیشگیری و دفع توطئه منافقان را تبیین کرده است.

واژگان کلیدی

گام دوم انقلاب، عدالت، جریان نفاق، تدبیر، سوره منافقون



مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب در شرایطی صادر شد که نهضت اسلامی ایران چهلمین سالگرد پیروزی خود را سپری کرد و در این مدت به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافت و چالش‌های متعددی را نیز پشت سر نهاد که دشمنان این نهضت با همکاری ایادی داخلی ایجاد کردند تا مانع تحقق اهداف آن شوند. بیانیه گام دوم انقلاب متنی راهبردی برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است که انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی- ارواحنا فداه- است» متصل خواهد کرد و در پرتو آن، بندگان صالح خدا وارثان زمین خواهند شد.

تحقق وعده الهی، یعنی استخلاف بندگان صالح روی زمین، تنها زمانی رخ خواهد داد که تحت تعالیم نورانی وحی و در راستای هدایت انبیای الهی واقع شود. قرآن کریم معجزه جاوید نبی مکرم اسلام، کتاب هدایت همگان است و هر کس می‌تواند به اندازه ظرفیت علمی و عملی خود به طور مستقیم و در پرتو رهنمودها و هدایت‌های اهل بیت (ع) از آن بهره‌مند شود. بر این اساس یکی از مسئولیت‌ها و تکالیف نظام اسلامی و آحاد مسلمانان، توجه به کتاب خدا و اقتدا و اهتدا به آن است. امت اسلام باید همه تلاش خود را برای رفع مهجوریت قرآن کریم به کار گیرد تا مشمول شکایت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز قیامت نشود. این امر افزون بر تکلیف و وظیفه الهی، راه سعادت افراد و جوامع نیز هست.

قرآن کریم، زیربنا و محور اساسی همه شئون فردی، خانوادگی، اجتماعی و حکومتی اسلام است؛ بنابراین ما زمانی به جایگاه بلند اسلامی بودن دست می‌یابیم که قرآنی باشیم. فرد مسلمان، جامعه مسلمان و حکومت اسلامی جز با محوریت قرآن و حضور پررنگ آن در صحنه هدایت و امامت به کمال خود نمی‌رسد. مستکبران و پیروان جبهه باطل همواره تلاش دارند تا با مقابله با دستوره‌های قرآنی، منافع مادی خود را حفظ کنند و با تکیه بر دورکن قدرت و ثروت، تلاش خود را برای ضربه زدن به آرمان‌های اسلامی به کار گیرند و در این راه از هیچ کوششی چه از بیرون جامعه اسلامی و چه از داخل جامعه، مضایقه ندارند. قرآن کریم با معرفی توطئه‌های معاندان داخلی و خارجی و بیان راه دفع و رفع این توطئه‌ها به دنبال هدایت انسان‌ها برای تشکیل جامعه آرمان اسلامی است.



بی‌شک دستیابی به وعده خدا در قرآن یعنی تحقق جامعه آرمانی اسلامی با محوریت قرآن، منوط به فهم و عمل به این کتاب آسمانی است و روشن است تا دستورهای الهی فهم نشود، ایمان به دستورها و عمل به آن میسر نیست و یک فرد هنگامی می‌تواند ادعای فهم قرآن داشته باشد که نگاهی منسجم و متدبرانه به قرآن کند. منظور ما از نگاه منسجم و متدبرانه به قرآن کریم، فرایندی روشمند است که در ادامه این پژوهش توضیح داده خواهد شد. پیش از آن نگاهی کوتاه به اهمیت دشمن‌شناسی از منظر مقام معظم رهبری خواهیم داشت.

اهمیت شناخت دشمن از منظر مقام معظم رهبری

متن بیانیه گام دوم بر لزوم توجه به دشمن و شناخت توطئه‌هایش اشاره دارد: «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و امارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلد‌رهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد» (متن بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷).

با بررسی سخنان رهبر انقلاب شاهدیم که ایشان همواره نسبت به وجود دشمنان و نفوذ آنان هشدار می‌دهند: «مهم این است که در هر دوره‌ای از دوره‌ها ما بفهمیم دشمنی دشمن چگونه است و چه کار دارد با ما می‌کند، نقشه دشمن را بفهمیم؛ درست مثل جنگ نظامی، و... باید حدس بزنید دشمن چه کار می‌خواهد بکند» (۱۳۹۶/۱۰/۶). یا در جای دیگر می‌فرمایند: «دشمن کیست؟ دشمن امروز مشخصاً عبارت است از آمریکا، انگلیس، زرسالاران بین‌المللی، صهیونیست‌ها و دنباله‌هایشان» (۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

این موارد در خصوص دشمن خارجی است؛ ایشان همچنین نسبت به دشمنان داخلی بارها هشدار داده و در جمع نخبگان علمی جوان تأکید کرده‌اند: «دشمنان عامل دارند؛

اینکه قابل انکار نیست، ملت، ملت بزرگی است، ملت خوبی است، اما در درون ملت مثل همه ملت‌های دیگر آدم‌های غریب‌پرست، سست‌عنصر، مادی و فریب‌خور هستند» (۱۳۹۵/۸/۲۸).

در بخش‌های اقتصادی، تولید، فرهنگی و امنیتی هم هشدارهایی وجود دارد و در ده‌ها مطلب دیگر رهبری با درایت و تیزبینی خود بحث دشمن‌شناسی را مطرح و چند عامل مهم و سوسه، ضعف در مباحث اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، علمی و... برنامه‌های استکباری و استعماری را برای این نفوذ برمی‌شمارند به گونه‌ای که در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری به صورت مستقیم از نقشه نفوذ دشمن پرده برمی‌دارند و بیان می‌کنند: «من محاسبه می‌کردم با خودم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و دارند عمل می‌کنند، همین حالا دارند عمل می‌کنند» (۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

ایشان در دیدار مردم قم تأکید دارند که آمریکا به ایادی داخلی خود در نظام جمهوری اسلامی توجهی ویژه دارد: «مسئولین امروز آمریکا که ساده‌لوحی‌شان در امور سیاسی آشکار است، لو دادند خودشان را و گفتند: از بیرون نمی‌شود با ایران دست و پنجه نرم کرد، از درون باید خرابش کنیم» (۱۳۹۶/۱۰/۱۹).

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان بر لزوم مراقبت و عدم غفلت از دشمنان تأکید می‌کنند: «دشمنی دشمن خلاف انتظار نیست، غفلت ما از دشمن خلاف انتظار است... این قابل قبول نیست. یک وقت می‌بینید ما در داخل جدول و پازل‌های دشمن قرار می‌گیریم... این خیلی چیز بدی است؛ ما باید سعی کنیم که تأمین‌کننده اجزای او نباشیم» (۱۳۸۸/۷/۲۰).

مواردی که بیان شد، تنها نمونه‌هایی از تأکیدهای مقام معظم رهبری بر لزوم شناخت و تلاش برای مقابله با توطئه‌های دشمنان به خصوص دشمنان داخلی است. در این نوشتار بر آئیم با نگاهی متدبرانه به سوره مبارک منافقون، راهکارهای قرآنی مقابله با توطئه‌های جریان نفاق را تبیین کنیم. نگاه متدبرانه فرایندی روشمند است که به سوره قرآن به صورت منسجم و هدفمند نظر می‌کند. بر این اساس لازم است ابتدا منظور از «تدبر» به عنوان روش فهم منسجم قرآن تبیین و سپس تدبر سوره منافقون ارائه و در پایان مطالب این نوشتار جمع‌بندی شود.



تدبر و فهم منسجم سوره‌های قرآن مقدمه ایمان به دستورهای قرآنی

اهمیت انسجام در سخن و فهم متدبرانه را می‌توان این‌گونه توضیح داد که اگر کسی بخواهد جمله‌ای را بفهمد، ناگزیر از درک ارتباط میان کلمات آن جمله است، در غیر این صورت تنها چند کلمه را فهمیده و نه جمله را که محصول کلمات مرتبط با هم است. همچنین اگر کسی بخواهد یک بند (پاراگراف) را بفهمد، چاره‌ای جز درک ارتباط جملات آن بند ندارد، در غیر این صورت تنها چند جمله را فهمیده است و نه یک بند را که نتیجه جملات مرتبط با هم است. به همین منوال اگر کسی بخواهد یک گفتار را درک کند، باید ارتباط میان بندهای آن را درک کند وگرنه تنها چند بند را فهمیده است و نه گفتار را که برآیند چند بند مرتبط با یکدیگر است. در قرآن کریم هم اگر کسی بخواهد معنی آیه‌ای را بفهمد، باید ارتباط میان کلمات و عبارات آیه را درک کند و اگر کسی بخواهد معنی چند آیه متصل به هم را درک کند، باید ارتباط میان آیات آن مجموعه را بفهمد و اگر کسی بخواهد محتوای یک سوره را بفهمد، ناگزیر از درک ارتباط آیات آن سوره یا مجموعه آیات آن با هم است و همین درک ارتباط عبارت دیگر تدبر است که در سطوح مختلف به فهم مجموعی منتهی می‌شود.

سیر رشد انسان نیز به سوی فهم منسجم است. کودکان نیز در اوان کودکی خویش جملات را به صورت کلمه کلمه می‌شنوند و می‌فهمند و از این رو توانایی جمله‌سازی ندارند، زیرا توانمندی عقلی کافی برای ادراک ارتباط میان کلمات را ندارند و به تدریج و به موازات رشد عقلانی، به مهارت تشخیص ارتباط میان کلمات و فهم جملات و حتی جمله‌سازی دست می‌یابند و باز هم به تناسب رشد بیشتر، قدرت فهم ارتباط میان جملات را هم به دست می‌آورند. ما نیز در برخورد با قرآن کریم اگر مانند کودکان عمل کنیم، تنها کلمات قرآن را می‌فهمیم و نمی‌توانیم به معانی آیات قرآن دست پیدا کنیم؛ اما اگر قرآن را در مقام یک متکلم حکیم قرار دهیم و خود را مخاطب عاقل آن بدانیم، به تدریج توانایی فهم ارتباط میان کلمات و ادراک جملات و آیات، فهم ارتباط میان جملات و آیات و ادراک سوره‌ها را می‌یابیم و این همان تدبر است.

تعریف صحیح «تدبر در قرآن»، مبتنی بر شناسایی مفهوم لغوی «تدبر» و آن نیز در گرو بررسی معنی «ماده» و «هیئت» این واژه در قرآن و منابع لغوی است؛ زیرا ماده و هیئت، عناصر اصلی تشکیل‌دهنده مفهوم یک واژه هستند و تغییرات هر یک از این دو، سبب تغییر مفاهیم کلمات از



یکدیگر است. البته سهم «ماده» در این میان بیش از دیگری است. عده‌ای با نگاه تسامح‌آمیز به این امر، معنی برخی از واژگان متفاوت را یکسان دانسته‌اند. اگر این دیدگاه در کلام انسان‌های عادی و در عرف محاوره توجیه‌پذیر باشد، بی‌شک در مورد قرآن کریم موجه نیست، چون این کتاب، کلام خدا و عاری از تسامح در بیان است. بر پایه همین مطلب، هم‌معنی دانستن «تدبر»، «تفکر»، «تفسیر»، «تأویل» و مانند اینها، گذشته از فقدان دقت و صحت علمی، کم‌نویسی از برکات معارف فراوان و کم‌توفیقی در عمل به فرامین قرآن را در پی دارد.

ماده دبر: برخی کارشناسان لغت درباره ماده «دبر» چنین نوشته‌اند:

- «الدبر من كل شيء: عقبه و مؤخره» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۸۳).
 - «ما أدبر عنه الإنسان» (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۸۸).
 - «آخر الشيء و خلفه خلاف قبله» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۲۴).
 - «إن الأصل الواحد في هذه المادة هو ما يقابل القبل و الإقبال وهذا المفهوم يختلف باختلاف الصيغ والهيئات والمواد» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۹۳).
- بنابراین ماده «دبر» در لغت به معنی «پشت» و «پشت سر» اشیاست. در معنای یک واژه علاوه بر معنای ماده که در همه مشتقات آن وجود دارد، هیئت نیز مؤثر است و قالب معنایی دیگری به معنای ماده می‌بخشد.

هیئت تدبر: کارشناسان لغت هیئت «تفعل» را برای مطاوعه «تفعیل» می‌دانند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۹۳)؛ بر همین اساس برای تشخیص معنای «تدبر» بهتر است معنای تدبیر نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۱. تدبیر: در کتب واژه‌شناسی، معانی متعددی برای تدبیر ذکر شده است که برخی

از آنها عبارت‌اند از:

- «التدبير النظر في عاقبه الأمر» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۸۹).
- «التدبير التفكير في دبر الأمور» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۰۷).
- «و أما التدبير تصبير الشيء ذا عاقبه بأن يكون الشيء على عاقبه حسنه و نتیجه مطلوبه و هذا معنى العمل عن فكر و رويه ... معنى التدبير بالنسبة إلى الله تعالى معلوم و تدبيره تعالى عبارة عن تنظيم أمور العالم و ترتيبه و جعل الأمور على أحسن نظام و اتقن صنع منتج» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۰۷).



بیان اول و دوم درباره مفهوم «تدبیر» خالی از اشکال نیست، زیرا ماده «دبر» را در اصل معنای «تدبیر» در نظر نگرفته و به حاشیه رانده‌اند. توضیح اینکه در عبارتهای «النظر فی عاقبه الأمر» و «التفکر فی دبر الأمور» قسمت اصلی معنی واژه‌های «النظر» و «التفکر» است، که هیچ ارتباط روشنی با ماده یا هیئت تدبیر ندارند و قسمت فرعی و حاشیه‌ای معنی «فی عاقبه الأمر» و «فی دبر الأمور» است، که با معنی تدبیر در ارتباط هستند. دقت در بیان سوم نشان می‌دهد که موارد پیشین «تدبیر» را به لازم آن معنا کرده‌اند.

ریشه لغوی و ساختار لفظی اقتضا می‌کند «تدبیر» را «پشت سر هم چیدن حکیمانه» بدانیم که این معنی با سومین مفهوم از مفاهیم پیش گفته، کاملاً هماهنگ است و استعمالات قرآنی نیز آن را تأیید می‌کند:

«يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفْصَلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ»: «[خداوند] در کار [آفرینش] تدبیر می‌کند، و آیات [خود] را به روشنی بیان می‌نماید. امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید» (رعد/۲).

از نظر علامه طباطبایی (ره) نیز مراد از «تدبیر»، ترتیب دادن اشیای متعدد مختلف پشت سر یکدیگر است، به گونه‌ای که هر شیء در جایگاه خاص خود قرار گیرد و غرض و فایده و مقصود بر آن مترتب شود و تدبیر عالم توسط خدا نیز تنظیم اجزای آن به نظمی نیکوست به طوری که هر چیز به غایت مقصود برسد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۱: ۲۸۹). امر به تدبیر در قرآن نشان‌دهنده وجود تدبیر (چینش حکیمانه) در قرآن کریم است. قرآن کریم یا هر کلام دیگری محصول تدبیر حروف، کلمات، عبارات و جملات کنار یکدیگر است، به گونه‌ای که رساننده مقصود متکلم باشد؛ چنان که يك منظومه سیارات و ثوابت محصول تدبیر آنها در کنار هم است. به تعبیر دیگر، کلام، حاصل تدبیر است. ویژگی کلام الله نیز در گرو تدبیر ویژه آن است چون صرف کلمات قرآن ویژه آن نبوده و بر زبان همه عرب‌ها جاری بوده و هست؛ پس تدبیر در کلام، شأن تکلیف و وصف آن است.

۲. تدبیر: «تدبر» مطاوعه «تدبیر» است:

• «و أما التدبر فهو تفعل لمطاوعه التفعيل فحقيقه معناه حصول مفهوم التدبیر و اختيار ذلك المفهوم فيقال دبر الأمر فتدبر الأمر...» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۷۶).

ریشه لغوی و ساختار لفظی «تدبر» ایجاب می‌کند که آن را «دریافت (مطالعه) چیش حکیمانه (تدبیر)» بدانیم. برخی بدون جمع‌بندی صحیح از ماده و هیئت، «تدبر» را این‌گونه معنی کرده‌اند:

• «التدبیر أن تنظر إلى ما تؤول إليه عاقبته و التدبر التفكير فيه» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۷۳).

• «التدبر التفكير أى تحصيل المعرفتين لتحصيل معرفة ثالثة» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۸۹).

همان‌طور که مشخص است، در بیان اول، مفهوم ماده در اصل معنی دخالت داده نشده و در بیان دوم نسبت به معنی ماده و هیئت کاملاً بی‌توجهی شده است.

تدبر در قرآن: اگر گفته شود تدبر مطالعه یا پذیرش تدبیر است و این حروف و کلمات هستند که تدبیر الهی را می‌پذیرند، پس آنان متدبر هستند، نه ما؛ جواب آن است که خدای متعال تدبر را از ما خواسته است نه از حروف و کلمات؛ چون تدبر مطالعه غیراختیاری تدبیر از سوی حروف یا اشیای خارجی نیست، زیرا در معنای مطالعه تدبر نوعی اختیار و آگاهانه بودن لحاظ شده است بر خلاف معنای مطالعه در باب انفعال؛ بنابراین اگر بنا بود مطالعه غیراختیاری حروف یا اشیای خارجی در قالب لفظ درآید، به صورت «اندبار» بیان می‌شد. در نتیجه تدبر به معنی پذیرش و کشف آگاهانه تدبیر محقق شده در اشیا یا کلام است.

آنجا که تدبیر نسبت به اشیای عینی خارجی صورت می‌گیرد، تدبر فهم و پذیرش آن و آنجا که تدبیر کلام مطرح است، مراد از تدبر دریافت «تدبیر موجود در کلام» از سوی مخاطبان آن خواهد بود و این همان عنصری است که تدبر را راه فهم ویژه قرآن و ایمان به الهی بودن آن قرار داده است. شایان ذکر است تدبر گرچه ابتدایی‌ترین لایه فهم مجموعه قرآن کریم است، ولی اساسی‌ترین نوع فهم و مبنا و میزان سایر فهم‌ها از قرآن خواهد بود. برای مثال علامه طباطبایی در قضاوت بین اقوال، ناهماهنگی با سیاق را دلیل بر رد و هماهنگی با سیاق را دلیل قبول دانسته‌اند.

با توجه به مطالبی که بیان شد، مقدمه ایمان به دستوره‌های الهی در قرآن، فهم قرآن است و راه فهم صحیح قرآن نگاه منسجم به سوره‌ها یا به عبارتی تدبر در قرآن است و با



تدبر و فهم صحیح قرآن و ایمان به دستوره‌های آن می‌توان قرآن را در جایگاه واقعی خود در جامعه قرار داد و غایت نهایی ارسال همه پیامبران را محقق کرد.

جایگاه قرآن در جامعه آرمانی

بیانیه گام دوم در پی هدایت مردم با هدف ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان مقدمه برپایی حکومت عدل الهی به رهبری حضرت ولی عصر- عجل الله تعالی فرجه الشریف- است. آنچه مسلم است، تا زمانی که قرآن صامت از مهوریت خارج نشود و در جامعه اسلامی ظهور نداشته باشد، انتظار برای ظهور قرآن ناطق غیرواقع‌بینانه خواهد بود. همان‌طور که اشاره شد، چشم‌انداز جایگاه قرآن کریم در جامعه اسلامی آن است که آحاد آن به سطحی از فهم قرآن دست یابند که بتوانند:

۱. بینش‌های خود را بر اساس فهم خویش از قرآن سامان دهند؛ بدین معنی که دیده‌ها، شنیده‌ها و خواننده‌های کلان زمانه خویش را به قرآن کریم عرضه کنند و صحت و سقم آنها را دریابند؛ یعنی فهم جامع جهان‌بینی و ایدئولوژی دینی از طریق قرآن همگانی شود و عموم مردم بتوانند فهمی همه‌جانبه از معارف علمی و عملی قرآن به دست آورند، چون فهم غیرجامع و غیرجمعی نمی‌تواند پاسخی صحیح و کامل برای نیازها و پرسش‌های همگان باشد.

۲. انگیزه‌های عملی خود را بر اساس فهم خود از قرآن سامان دهند؛ بدین معنی که شهوت و غضب، محبت و عداوت، ارادت و کراهت و تولی و تبری خود را با عرضه به قرآن کریم تنظیم کنند و از این طریق با انتخابی آگاهانه در هر قدم زندگی، عزمی راستین در انجام وظایف خود داشته باشند.

ضرورت تدبر با توجه به مراتب نقش‌آفرینی آن در طی مسیر از وضعیت کنونی تا تحقق چشم‌انداز مد نظر آشکار می‌شود. از سوی دیگر غایت نهایی ارسال رسل در سوره مبارک حدید اقامه قسط و عدل توسط مردم به راهبری انبیا معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵). در راستای اقامه عدل آنچه همراه انبیا نازل شده کتاب و معیار برپایی عدالت است که در مورد اسلام کتاب آسمانی قرآن است؛ بنابراین تا زمانی که قرآن در جایگاه محوری خود قرار نگرفته،



تحقق آرمان نهایی ممکن نیست. منظور از جایگاه محوری فهم کامل، ایمان و عمل به دستورهای قرآن در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی است. تشکیل جامعه اسلامی و نظام اسلامی نیز در راستای همین هدف غایی است و در جامعه اسلامی مردم نقش محوری بر عهده دارند.

روشن است که به محض تشکیل یک نظام اسلامی در راستای برپایی عدالت، مخالفان عدالت که منافع مادی آنان از برپایی قسط به خطر می‌افتد، تلاش می‌کنند با ایجاد خلل و فتنه‌های مختلف، مانع دستیابی جامعه به عدالت شوند. گاهی این فتنه‌ها به صورت مستقیم از سوی دشمنان خارج از نظام ایجاد می‌شود و گاهی دشمنان خارجی از ایادی خود در جامعه اسلامی برای ایجاد فتنه و توطئه کمک می‌گیرند. یکی از ابزارهای مهم برای نیل به این هدف، وجود جریانی در جامعه اسلامی به نام جریان نفاق است که در ظاهر دنباله‌رو آرمان‌های اسلامی است و در باطن دل در گرو اهداف جریان‌های استکباری دارد.

خدای متعال در قرآن کریم، به عنوان کتاب هدایت جامعه اسلامی، وجود این خطر را در بسیاری از سوره‌ها یادآور شده و به طور خاص سوره منافقون را برای شناخت و دفع این جریان نازل فرموده است تا جامعه اسلامی بتواند این جریان را شناسایی کند، توطئه‌های آنان را بشناسد و ضمن در امان ماندن از این آفت، بتواند با توطئه‌ها مقابله کند. بنابراین می‌توان گفت مقابله با جریان نفاق، منوط به فهم منسجم سوره منافقون، ایمان به دستورهای خدا در این سوره و در نهایت عمل به این دستورهاست.

فهم منسجم سوره منافقون و راهبرد آن در دفع فتنه از نظام اسلامی

نام این سوره «منافقون» است که به مناسبت به کار رفتن واژه «المنافقون» و «المنافقین» در آیه نخست آن انتخاب شده است. مباحث این سوره مبارک نیز در ارتباط با منافقان است. در فهم منسجم سوره‌ها علاوه بر فهم تک تک آیات، به ارتباط آیات و چینش عبارات و اتصال و انفسال آیات نیز پرداخته می‌شود. با این بیان سوره‌ها ممکن است به چند دسته مفهومی تقسیم شوند که غرض هدایتی خاصی را دنبال می‌کنند. از کنار هم قرار دادن غرض این دسته‌ها می‌توان به هدف کلی سوره دست یافت.



۱. دسته‌بندی سوره مبارک منافقون

آیات این سوره به دو کلام تقسیم می‌شود: نخست، آیات ۱ تا ۸؛ دوم، آیات ۹ تا ۱۱.
الف) کلام اول: آیات ۱ تا ۸؛ آیات این کلام خود به دو مطلب تقسیم می‌شود: نخست، آیات ۱ تا ۶؛ دوم، آیات ۷ و ۸.

مطلب اول: آیات ۱ تا ۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (۱) اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲) ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَمَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَأَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۳) وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۴) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُؤُسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (۵) سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۶)

توجه به شباهت اسلوبی میان آیات ۱، ۴ و ۵ نشان می‌دهد که محتوای این شش آیه در سه فراز بیان شده است.

۱. کفر بعد از ایمان: بر اساس سه آیه نخست، یکی از ویژگی‌های منافقان شهادت دروغ به رسالت است. این شهادت در قالب سوگندهایی دروغ ادا می‌شود که هدف از آن بازداری از راه خداست و بر اساس تعلیل آیه سوم، ریشه این کذب در شهادت و سوگند نسبت به رسالت، چیزی جز کفر بعد از ایمان نیست که آن نیز سبب شده است بر دل‌های ایشان مهر زده شود و دیگر هیچ نفهمند.

۲. دشمنی با ظاهری دوستانه: آیه چهارم پس از بیان جذابیت ظاهر و گفتار منافقان، بی‌خاصیتی و بی‌ثمری ایشان را خاطر نشان ساخته و در ادامه با تأکید بر دشمنی باطنی آنان رسول خدا را از ایشان بر حذر می‌دارد و آنان را نفرین می‌کند؛ یعنی می‌فهماند که منافقان، همان کافران بعد از ایمان، گرگ‌هایی در پوستین میش و دشمنانی در ظاهر دوست هستند.

۳. هدایت‌ناپذیری: از ویژگی‌های دیگر منافقان آن است که وقتی از ایشان دعوت می‌شود



که بیایید تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای شما استغفار کند، آنان نمی پذیرند و به نشانه استکبار سر تکان می دهند. گفتنی است استکبار بدین معنی است که افراد متکبر (خودبزرگبین) می خواهند تا دیگران هم برتری و بزرگی آنان را بپذیرند و به آنان احترام بگذارند و منافقان نیز همین گونه بودند و حتی نمی خواستند با استغفار رسول الله (ص) برای ایشان، پذیرش برتری آنان و احترام به علوم موهومشان زیر سؤال برود. خدای متعالی در پاسخ به این رفتار مستکبرانه منافقان می فرماید که استغفار یا عدم استغفار پیامبر (ص) برای ایشان تفاوتی ندارد، زیرا خدا آنان را نمی بخشاید، چون آنان قابل هدایت نیستند.

در میان این سه فراز ترتیب اولویت با ترتیب ذکر است: فراز نخست، معرفی حقیقت نفاق و ماهیت منافق است. فراز دوم، بیان دشمنی منافقان با مؤمنان و راهکار تشخیص آن است و فراز سوم، از هدایت ناپذیری ایشان سخن می گوید. این دسته از آیات را می توان این گونه عنوان گذاری کرد: «منافقان، کافران پس از ایمان و دشمنانی در ظاهر دوست، که امیدی به هدایت آنان نیست.»

مطلب دوم: آیات ۷ و ۸

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۷) يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸)

تفاوت رویکرد محتوایی از معرفی و بیان صفات منافقان، به طرح توطئه ها و دشمنی های ایشان نشان می دهد که این دو مطلب می توانند جدای از یکدیگر بررسی شوند. همچنین تغییر اسلوب «إذا» (با سه بار تکرار در رأس هر فراز از مطلب قبل)، به «يقولون» (با دو بار تکرار در رأس هر فراز از مطلب جاری) نشانه همین تغییر رویکرد محتوایی و توجیه گسست این مطلب از مطلب قبل است.

توجه به تکرار «يقولون» در ابتدای آیه ۷ و آیه ۸ نشان می دهد که محتوای این مطلب در دو فراز بیان شده است:

۱. توطئه اقتصادی منافقان (محاصره، تحریم و فشارهای اقتصادی): بر اساس آیه هفتم، منافقان درصدد هستند به وسیله محاصره اقتصادی، مؤمنان را تحت فشار اقتصادی



قرار دهند و با این کار ضمن القای ناکارآمدی نظام اسلامی از اداره جامعه، مردم را از گرد رسول خدا و رهبری الهی در جامعه پراکنده سازند.

۲. **توطئه سیاسی منافقان (قصه کودتا):** آیه هشتم می‌فهماند که منافقان در صورت امکان از براندازی نظام اسلامی هم ابایی ندارند. البته آنان بنا دارند این توطئه را پیرو اجرایی شدن طرح محاصره اقتصادی، به مرحله عمل در آورند؛ زیرا می‌خواهند با محاصره اقتصادی مؤمنان همراه با رسول خدا(ص)، ایشان را تنها و به زعم باطل خود ذلیل گردانند، سپس به خیال خام خود، عزیزانه رسول خدا(ص) را از مدینه اخراج کنند.

نکته دیگر آن است که بیان این آیات افشاگری نسبت به توطئه‌های منافقان است، نه گزارش از عملی شدن این توطئه‌ها؛ با توجه به افشای دو توطئه از یک سو و زنجیره‌وار بودن این دو از سوی دیگر، می‌توان عنوان این مطلب را این‌گونه انتخاب کرد: «افشاگری نسبت به توطئه منافقان برای تضعیف جایگاه مردمی رسول خدا(ص)، از طریق محاصره اقتصادی و توطئه براندازی نظام اسلامی».

مطلب دوم کلام اول، تنها با یک تفاوت در رویکرد محتوایی، همان سیاق معرفی منافقان را ادامه می‌دهد. اتصالاتی مانند «هم الذین یقولون» در ابتدای مطلب دوم، خود گواهی بر صحت این مدعاست. ارتباط دیگر آن است که در فراز دوم مطلب نخست، سخن از دشمنی منافقان بود و اینک مطلب دوم، دشمنی منافقان را باز می‌کند. آیات این کلام ابتدا منافقان را کافرانی پس از ایمان و دشمنانی در ظاهر دوست معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که اینان زمینه هدایت را از دست داده‌اند و امیدی به برگشت‌شان نیست؛ سپس دو نمونه از دشمنی‌های ایشان را در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی افشا می‌کند. برآیند این دو محور را می‌توان با عنوان زیر بیان کرد: «افشاگری خدای متعالی نسبت به منافقان و توطئه‌ها و دشمنی‌های ایشان».

ب) کلام دوم: آیات ۹ تا ۱۱

آیات این کلام در قالب یک مطلب بررسی می‌شود.

گسست کلام دوم از کلام اول: پایان یافتن توصیف منافقان در آیه هشتم و آغاز توصیه به مؤمنان در آیه نهم با اسلوب آغاز «یا ایها الذین آمنوا» قرائن جدایی این کلام از کلام سابق به شمار می‌روند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹) وَ أَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰) وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

آیه نهم به مؤمنان توصیه می‌کند که اموال و اولادشان مانع از یاد خدا نشود. آری، گرایش به دنیا، که اموال و اولاد مظاهر بارز آن هستند، مانع از یاد خداست و این باعث خسارت است. آیات نورانی دهم و یازدهم به مؤمنان می‌فهماند که باید پیش از مرگ انفاق کنند تا پس از مرگ حسرت صدقه دادن و نیکوکار بودن را نبرند. این آیات با آیه نهم در ارتباط است، چون انفاق و صدقه دادن راه دل بستن به دنیاست و در نتیجه اهل انفاق به سبب مال و فرزند از یاد خدا غافل نمی‌شوند؛ بدین ترتیب این کلام، اموال و اولاد را موجب غفلت از یاد خدای متعالی و آن را نیز موجب خسارت دانسته و انفاق پیش از فرارسیدن مرگ را به عنوان راه نجات از دنیازدگی و غفلت حاصل از آن دانسته است.

پیشگیری از نفاق

در سیاق قبل مشخص شد که منافقان پیشتر مؤمن بودند و سپس کافر شدند. سؤالی که در سیاق قبلی بدون پاسخ ماند، این پرسش بود که چرا منافقان از ایمان دست کشیدند و کافر شدند؟ آن پرسش در این سیاق و آیه نهم پاسخ داده شده است. خداوند در آیه نهم به مؤمنان (که فعلاً مؤمن هستند و ممکن است در صورت غلفت کافر شوند) توصیه می‌کند که از نفاق پیشگیری کنند.

در کلام قبل مطرح شد که حقیقت نفاق، کفر پس از ایمان است و منافقان به اندازه‌ای از خدا دور شده‌اند که از طلب استغفار هم سر باز می‌زنند. این کلام به مؤمنان هشدار می‌دهد که عامل این کفر و استکبار، غفلت از یاد خداست و آن هم به دلیل مشغول شدن به دلبستگی‌های دنیوی است؛ پس با انفاق از دل بستن به دنیا نجات یابید و ایمان خود را از آسیب نفاق در امان نگاه دارید. عنوان متناسب با این کلام عبارت است از: «یاد خدا و انفاق راه حفظ ایمان از خطر نفاق».



۲. غرض سوره

برای کشف استدلالی غرض سوره باید رابطه دو کلام آن بررسی شود و با توجه به این رابطه، برآیند واحد هدایتی کل سوره به دست آید و در گام بعدی مشترکات هر دو کلام شناسایی شود، تا بستر ظاهری تأمین این غرض هم آشکار شود. کلام نخست از ویژگی های منافقان سخن گفت و توصیه های کلام دوم، راهکاری برای گرفتار نشدن به مؤمنان به نفاق است؛ زیرا یاد خدا و انفاق مانع از دل بستگی به دنیا و در نتیجه مانع از نفاق است، چون نفاق زائیده غفلت از یاد خدا و دل بستگی به دنیا است.

مشترکات کلام ها

مشترکات کلام های این سوره را در چند محور می توان بررسی کرد:

- کلام نخست، از کفر بعد از ایمان سخن گفت و کلام دوم، از غفلت مؤمنان از یاد خدا، که زمینه ساز کفر بعد از ایمان است.

- کلام نخست، منافقان را فاسق دانست و کلام دوم، مؤمنان را به صالح بودن توصیه کرد.

- کلام نخست منافقان را کاذب دانست و کلام دوم، مؤمنان را به صادق بودن سفارش کرد.

- توصیه منافقان در کلام نخست، ترک انفاق بود. توصیه خدای متعالی در کلام دوم، انفاق بود.

غرض سوره: اینک با توجه به برآیند کلام ها و مشترکات آنها، می توان غرض سوره را تشخیص داد: توجهی به مشترکات مذکور نشان می دهد که همه آنها زیرمجموعه برآیند سوره، یعنی معرفی نفاق و راهکار حفظ ایمان از شر نفاق است؛ بنابراین همین عنوان را می توان برای تبیین غرض سوره استفاده کرد: «معرفی نفاق و راه حفظ ایمان از آسیب نفاق».

سیر هدایتی سوره: علامه طباطبایی (ره) می فرمایند: این سوره منافقان را توصیف و ایشان را به شدت عداوت معرفی می کند و به پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - امر می کند که از منافقان برحذر باشد و به مؤمنان نصیحت می کند که از خصایص نفاق دور باشند تا در مهلکه نفاق نیفتند و به سوی آتش کشیده نشوند» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹: ۲۷۸).

این سوره در ۶ آیه نخست در سه مقطع که هر سه با «إذا» آغاز می شود، از ویژگی های منافقان سخن می گوید: ویژگی نخست، کذب و کفر؛ ویژگی دوم، دشمنی در ظاهری دوستانه؛ ویژگی سوم، هدایت ناپذیری به خاطر استکبار و فسق؛ سپس در آیات ۷ و ۸ با عبارت «يقولون»



از توطئه‌های آنان پرده بر می‌دارد و در نهایت و در آیات ۹ تا ۱۱ توصیه‌هایی برای در امان ماندن ایمان از آسیب نفاق از یک سو و راه دفع توطئه منافقان از سوی دیگر ارائه می‌دهد.

تدابیر مقام معظم رهبری در مقابله با توطئه منافقان

بنابر آنچه بیان شد، توطئه‌های جریان نفاق در دو سطح اقتصادی و سیاسی ساماندهی شده است. از آنجا که قرآن کتاب جاوید هدایت است، توطئه‌های یادشده نیز ویژگی همیشگی منافقان است که همواره علیه نظام اسلامی پایه‌ریزی می‌شود.

توطئه اقتصادی منافقان بر پایه فشار اقتصادی بر مردمی است که حول محور ولی جامعه جمع شده‌اند تا با افزایش فشار اقتصادی، مردم از حول ولی جامعه پراکنده شوند و ولی جامعه تنها شود. تأمل در این توطئه نشان می‌دهد که اقتصاد جامعه اسلامی به نحوی است که با «لا تنفقوا» از سوی منافقان ضربه‌پذیر است و منافقان این مطلب را می‌دانند و از این نقطه ضعف اقتصادی درصدد ضربه زدن بر می‌آیند.

در صورت موفقیت توطئه اول و با ضربه اقتصادی و پراکنده کردن مردم، ولی جامعه پشتیبانی مردمی را از دست می‌دهد و منافقان می‌توانند فاز دوم فتنه یا به عبارتی توطئه دوم را پیاده و ولی جامعه را از رأس نظام اسلامی اخراج و برکنار کنند. بنابراین، توطئه دوم تنها زمانی موفق خواهد بود که توطئه اول اجرایی شود؛ در غیر این صورت ولی جامعه در رأس نظام اسلامی باقی خواهد ماند.

توصیه قرآن برای مقابله با این فتنه، در قدم اول جنبه دفعی و پیشگیرانه دارد. مؤمنان باید مراقب باشند سرگرم اموال و اولاد نشوند. اموال و اولاد انسان می‌تواند انسان را از یاد خدا غافل کند و آرام آرام انسان را به ورطه نفاق سوق دهد. در قدم بعدی جنبه رفعی و درمانی دارد. قرآن در مقابل فتنه اول منافقان که می‌گفتند «لا تنفقوا»، دستور به انفاق می‌دهد: «أنفقوا». مخاطب این دستور مؤمنان هستند. این دستور در درون جامعه اسلامی و بین مؤمنان صادر شده است و نشان از آن دارد که اقتصاد این جامعه باید متکی به خود مؤمنان باشد تا «لا تنفقوا»ی منافقان به آن آسیب نرساند.

مقام معظم رهبری به عنوان ولی جامعه، تدابیری را در مقابله با این نوع فتنه‌ها اندیشیده‌اند که تأمل در آنها نشان می‌دهد برخاسته از آموزه‌های قرآنی است.



۱. اولین هشدار اقتصادی در دهمین روز آغاز رهبری

مقام معظم رهبری در مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ۲۴ خرداد ۱۳۶۸، درست ۱۰ روز پس از آغاز رهبری، درباره توطئه‌های اقتصادی دشمنان هشدار می‌دهند: «دشمن به شدت روی جزئیات وقایع کشور ما حساس است... وحدت کلمه‌ای که امروز وجود دارد، برای آنها بسیار سنگین است؛ زیرا ایجاد اختلاف و دودستگی و تنازع و درگیری، برای آنها یک هدف است... به دنبال این موضوع، سومین نقطه امید آنها مشخص می‌شود و آن، واقعیت‌های دشوار اقتصادی و مشکلات مردم است، که آنها سعی می‌کنند این نکته را به اثبات رسانند که بالاخره مشکلات اقتصادی گریبان دستگاه را خواهد گرفت و نظام جمهوری اسلامی را به بن‌بست خواهد رساند و مردم را دچار سردی و خمودی خواهد کرد... من برخلاف بعضی از تحلیل‌ها، احتمال می‌دهم که دشمن برای اینکه مردم را از ادامه این راه و این حضور مایوس و پشیمان کند، حتی مشکلات جدید اقتصادی را بر ما تحمیل نماید. هیچ بعید نیست مشکلاتی را برای فروش نفت، تهیه مواد اولیه و کالاهای ضروری به وجود آورد تا فشار را بر مردم زیاد کند. دولت و مجلس و مسئولان باید دست به دست هم دهند و بهترین راه‌ها و موفق‌ترین شیوه‌ها را جست‌وجو کنند، تا مشکلات اقتصادی مردم کم شود؛ نمی‌گویم به کلی از بین برود؛ چون در کوتاه‌مدت، چنین چیزی میسر نیست» (۱۳۶۸/۳/۲۴).

تأمل در این فرمایشات نشان می‌دهد که به روشنی با آموزه‌های سوره مبارک منافقون قابل تطبیق است. مقام معظم رهبری هشدار می‌دهند که دشمن برای از بین بردن وحدت کلمه برنامه دارد و یکی از این برنامه‌ها، افزایش فشارهای اقتصادی و ایجاد خمودی در مردم است. توجه و رهنمودهای مقام معظم رهبری به مسائل اقتصادی در سال‌های اخیر به اوج خود رسیده است.

۲. نام‌گذاری سال‌های اخیر با شعارهای اقتصادی

مقام معظم رهبری پیش از سال ۱۳۷۸ برای سال‌ها نام خاصی اختصاص نمی‌دادند و در پیام‌های خود بر برخی مسائل تأکید می‌کردند. در پیام سال ۱۳۶۹ بر «تحول درونی و اصلاح امور»، در سال ۱۳۷۰ بر «صبح روشنی»، در سال ۱۳۷۱ بر «تحکیم معنویت»، در سال

۱۳۷۲ بر «عدالت اجتماعی»، در سال ۱۳۷۳ بر «صرفه‌جویی»، در سال ۱۳۷۴ بر «وجدان کاری، انضباط اجتماعی، انضباط اقتصادی»، در سال ۱۳۷۵ بر «ضرورت پرهیز از اسراف و حفظ ثروت و منابع عمومی کشور»، در سال ۱۳۷۶ بر «توجه به معنویات و فضایل اخلاقی» و در سال ۱۳۷۷ بر «صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف، قناعت و پایداری بر مواضع اسلامی و انقلابی» تأکید کرده بودند اما این سال‌ها را نام‌گذاری نکردند.

سال ۱۳۸۷ اولین سالی بود که به مناسبت صدمین سالگرد تولد حضرت امام خمینی-رحمت الله علیه- به نام ایشان متبرک شد. سال‌های بعد نیز به مناسبت‌های مختلف نام‌های گوناگونی داشتند. سال ۱۳۸۷ نام‌گذاری سال‌ها رنگ و بوی اقتصادی گرفت و در سال ۱۳۹۰ با نام «جهاد اقتصادی» موضوع اقتصاد بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفت. سال ۱۳۹۱ با نام «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، ۱۳۹۲ با عنوان «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی»، ۱۳۹۳ با نام «اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی» و سال ۱۳۹۴ «دولت و ملت، هم‌دلی و هم‌زبانی» نام‌گذاری شدند. «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» به عنوان نام سال ۱۳۹۵ از اهمیت مسائل اقتصادی حکایت دارد و این موضوع مهم از نگاه رهبری دور نمانده است. سال ۱۳۹۶ با عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ تولید- اشتغال»، سال ۱۳۹۷ «حمایت از کالای ایرانی» و در نهایت سال ۱۳۹۸ نیز با نام «رونق تولید» همه با محوریت مبحث اقتصاد نام‌گذاری شده‌اند که نشان از اهمیت این مسئله در نظر مقام معظم رهبری دارد و به نظر نگارنده، برخاسته از آموزه‌های سوره مبارک منافقون است و به روشنی با مباحث آن قابل تطبیق است. نقطه اوج این بحث را می‌توان در ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» دانست.

۳. گفتمان «اقتصاد مقاومتی» و ابلاغ سیاست‌های آن

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۰ مقاوم‌سازی اقتصاد را مطرح کردند؛ در سال ۱۳۸۶ جنگ اقتصادی را بیان کردند و در سال ۱۳۸۹ بارقه‌های گفتمانی را با عنوان «اقتصاد مقاومتی» آغاز کردند. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ ادبیات آن تشریح شد و اوج آن را می‌توان در ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲ دانست. در سال‌های بعد اقتصاد مقاومتی گفتمان‌سازی شد. پرداختن تفصیلی به مقوله اقتصاد مقاومتی می‌تواند موضوع پژوهشی



دیگر قرار گیرد؛ اما آنچه در این نوشتار می‌توان مطرح کرد، تطبیق آن با دستور «انفقوا» در آیه ۱۰ سوره منافقون به عنوان راه‌حل دفع توطئه اقتصادی منافقان در جامعه اسلامی است. دستور «انفقوا» همان‌طور که پیشتر مطرح شد، مقاومت‌سازی جامعه اسلامی از نظر اقتصادی است، به نحوی که توطئه «لا تفتقوا» از سوی منافقان و دشمنان به منظور فشار اقتصادی نسبت به آن بی‌اثر شود.

«ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفا کنیم. یکی از بخش‌های ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرایطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم» (۱۳۹۱/۵/۸).

«وظیفه همه ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم. این یکی از اقتضانات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند» (۱۳۹۲/۱/۱).

«ما باید بتوانیم یک اقتصادی را در کشور به وجود بیاوریم که در مقابل بحران‌ها و جزر و مدهای بین‌المللی مقاوم باشد، آسیب نیند؛ این لازم است» (۱۳۹۲/۶/۶).
«باید روند اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به صورت یک حرکت مستمر و متوقف‌نشدنی، تا رسیدن به نتیجه، ادامه یابد» (۱۳۹۲/۱۲/۶).

«اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تأثیرگذاری از این ناحیه مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، خیال ملت و مسئولین کشور هم راحت خواهد شد» (۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

این موارد تنها نمونه‌هایی از توصیه‌ها و فرامین مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی است که نشان می‌دهد گفتمان اقتصاد مقاومتی برخاسته از قرآن کریم و مصداق امری است. دستور «انفقوا» در سوره مبارک منافقون است. این راهبرد در گام دوم انقلاب نیز استمرار دارد.

۴. گام دوم انقلاب و توصیه به معنویت

یکی از توصیه‌های مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب، توصیه به «معنویت و اخلاق» است. عام‌ترین معنایی که در رابطه با مفهوم معنویت می‌توان به کار برد، وابستگی نداشتن به زندگی مادی و نعمت‌های دنیوی است. روشن است که وابستگی نداشتن به معنای استفاده نکردن نیست. در مقام تطبیق، آیه نهم سوره مبارک منافقون با هشدار نسبت به سرگرم نشدن به ثروت و قدرت و غفلت نکردن از یاد خدا، درصدد افزایش معنویت بین جامعه اسلامی است. دستور به انفاق نیز راهکار کاهش وابستگی به ثروت و قدرت است. انفاق هر چه بیشتر باشد، با روندی تدریجی وابستگی انسان را به ثروت و قدرت کاهش می‌دهد که به معنای افزایش معنویت است.

۵. گام دوم انقلاب و توصیه به اقتصاد مقاومتی

سومین توصیه مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب، هشدار نسبت به مسئله اقتصاد و تأکید بر گفتمان و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است.... راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌هاست.... جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است» (متن بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

بنابر آنچه ذیل تدبر سوره مبارک منافقون بیان شد، مشخص است که این عبارات مصداق امروزی دستور «انفقوا» در این سوره است.



نتیجه‌گیری

براساس آنچه گفته شد، ماهیت مشترک همه فتنه‌های درونی جامعه اسلامی انقضاض مردم از حول ولی جامعه و سطح شدیدتر فتنه، قرار دادن مردم در مقابل ولی جامعه است. انقضاض پس از پیامبر اسلام از سقیفه آغاز شد، در واقعه قیام عاشورا به اوج خود رسید و همچنان ادامه دارد. منافقان فتنه‌گر با همکاری دشمنان خارجی تمام توان خود را برای پراکنده کردن مردم از دور ولی جامعه یا قرار دادن مردم در مقابل ولی به کار می‌برند. توطئه‌ای که سوره منافقون بیان کرده در دو سطح قابل تبیین است. مرحله اول فتنه، ماهیتی از جنس توطئه اقتصادی دارد. در این توطئه، منافقان با عدم انفاق و ایجاد فشار اقتصادی بر جامعه، درصد دلسرد کردن مردم و پراکنده کردن آنان از حول ولی جامعه هستند که در صورت موفقیت، فتنه وارد مرحله دوم می‌شود که ماهیتی سیاسی از جنس کودتا دارد. اگر مردم از حول ولی جامعه پراکنده شدند، ولی جامعه تنها خواهد ماند و در این صورت حذف ولی جامعه از صدر نظام اسلامی به سادگی ممکن خواهد بود. در نتیجه توطئه سیاسی منافقان مبتنی بر توطئه اقتصادی است. راهکاری که سوره منافقون برای مقابله با این فتنه دارد در ابتدا دستورالعملی برای پیشگیری از افزایش نفاق در جامعه است. سرگرم شدن به اموال و اولاد به عنوان نمادی از ثروت و قدرت همان چیزی است که ایمان را آرام آرام سست می‌کند و انسان مؤمن را به ورطه نفاق پیش می‌برد و از انفاق در راه خدا که فصل ممیز مؤمن و منافق است، باز می‌دارد. دستور به انفاق در مقابل «لاتنفقوا» از سوی منافقان بیان شده است. انفاق در درون جامعه اسلامی یعنی اقدامات اقتصادی در داخل که نظام را از نظر اقتصادی مستقل می‌کند و وابستگی به خارج از جامعه اسلامی را از بین ببرد تا جامعه از محصور شدن در فشارهای اقتصادی بیگانگان مصون بماند. این سوره فقط به راه مقابله با توطئه اقتصادی می‌پردازد و راه حل توطئه سیاسی را بیان نمی‌کند. اینکه چرا راه حل توطئه سیاسی بیان نشده بدین علت است که توطئه سیاسی مبتنی بر توطئه اقتصادی است و اگر فتنه اقتصادی محقق نشود، نوبت به فتنه سیاسی نخواهد رسید. اینکه نظام اسلامی امروزه در یک جنگ اقتصادی با دشمنان دست و پنجه نرم می‌کند و جنگ امروز ماهیت اقتصادی دارد و نام‌گذاری سال‌های اخیر همه حول محور اقتصاد است، می‌تواند ناظر به همین آیات باشد. بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان



متن راهبردی چهل سال آینده نظام اسلامی، یکی از هفت توصیه مهم را به مسئله اقتصاد و به طور خاص گفتمان اقتصاد مقاومتی اختصاص داده است.

بنابراین مردم در صورت ایمان به دستورهای قرآن کریم با یاری خدا و با اتکا به انفاق درونی یا به تعبیر بهتر، محقق کردن اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که به خارج از جامعه اسلامی وابسته نباشد، می‌توانند راه را برای فشار اقتصادی یعنی مرحله اول توطئه منافقان ببندند و اگر مرحله اقتصادی توطئه با شکست مواجه شود، هرگز مرحله دوم یعنی توطئه سیاسی محقق نخواهد شد. استقامت نظام اسلامی منوط به دفع توطئه‌های داخلی و خارجی است تا بتواند با صلابت بیشتر مسیر خود را به سمت تحقق وعده الهی برای استخلاف بندگان صالح خدا روی زمین پیماید.

منابع

- قرآن کریم

- بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷

- ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دارالفکر.

- الهی زاده، محمدحسین (۱۳۹۴)، تدبر ترتیبی قرآن، ج ۱، مشهد: تدبر در قرآن و سیره.

- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir

- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، بیروت:

دارالفکر.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱، دمشق: دارالقلم.

- صبوحي طسوجی، علی (۱۳۹۶)، تدبر در قرآن کریم، ج ۱، ج ۳، قم: مؤسسه تدبر در کلام وحی.

- صبوحي طسوجی، علی (۱۳۹۷)، آشنایی با دانش تدبر در قرآن کریم، ج ۱، قم: مؤسسه تدبر در

کلام وحی.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.

- فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، قم:

دارالهجره.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی.